



# جنگ در اوکراین، زمینه‌ها و پیامدهای آن

گفتگوی رادیو نینا با آذر مدرسی دبیر کمیته مرکزی حزب

از حکمتیست می پرسند:

## کنگره سراسری شوراهای مردمی

مقدمه: حزب حکمتیست (خطر رسمی)، سیاست‌ها و اقداماتش مورد سوال قرار میگیرد و تعدادی در این موارد اظهار نظر میکنند و یا انتقاداتی مطرح میکنند. نشریه حکمتیست در هر شماره یک یا چند مورد از این سؤالات را انتخاب میکند و با توجه به مضمون و محتوا، آنها را با رهبری حزب در میان میگذارد و پاسخ‌های آنها را، تحت عنوان «از حزب حکمتیست می پرسند»، منتشر میکند. در این شماره پاسخ به چند سوال را با مظفر محمدی از رهبری حزب، در میان گذاشته ایم. ...

## نه به جهان میلیتاریستی، نه به جنگ!

اطلاعیه مشترک ۳ حزب:

حزب کمونیست کارگری عراق، حزب حکمتیست (خط رسمی)  
حزب کمونیست کارگری کردستان

## در گرامیداشت ۸ مارس روز جهانی زن!

برگزار کننده: تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

لیست سخنرانان از ایران، عراق، افغانستان، پاکستان و برزیل



شریا شهابی



امیلیا اسپاراک



نادیه محمود



الیه امانی



لیندا فرناندز



رها اختر

یکشنبه ۶ مارس ۲۰۲۲

ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت لندن

۵ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی

۸ و نیم شب به وقت تهران

مکان: زووم

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

Worker communist Party - Hekmatist  
(Official Line)

hekmatisx

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

hekmatist.com

# حکمتیست بهشتی ۳۹۸

۳ مارس ۲۰۲۲ - ۱۲ اسفند ۱۴۰۰

## به رهبران و فعالین کمونیست طبقه کارگر

رفقای عزیز

همانطور که مطلع هستید ما در آستانه برگزاری کنگره دهم حزب حکمتیست (خط رسمی) هستیم. کنگره دهم حزب در شرایطی برگزار میشود که جامعه ایران وارد دوره ای تعیین کننده شده است. دوره ای که طبقه کارگر و کمونیستهای این طبقه و حزب ما، بعد از چهار دهه تلاش و مبارزه علیه یکی از هارتزین و ارتجاعی ترین حاکمیت‌های دوره معاصر، بعد از چهار دهه جدال و جنگ و کشمکش در عرصه های مختلف مبارزه طبقاتی توانسته ایم آرزو و امیال این طبقه و مردم محروم جامعه را با نقش و اهداف خود گره بزنیم و روزنه ای از امید به تحولی انقلابی و سوسیالیستی بر دوش و به رهبری طبقه کارگر و کمونیستهای این طبقه باز کنیم. مبارزات سالهای اخیر، اعتصابات و اعتراضات کارگری در این دوره، بر افزایش شدن پرچم جنبش شورایی در جنبش کارگری و اعمال اراده مستقیم از کانال شوراهای به عنوان ارکان حاکمیت در سرنوشت جامعه همراه اعتراض اقشار زحمتکش در این جامعه از معلم و بازنشسته تا پرستار و نسل جوان تحصیل کرده طبقه کارگر در دانشگاهها تا اعتراض هر روزه زنان و ... برای آزادی و برابری و جامعه انسانی، همگی مهر این امید به رهایی را بر خود دارد.

بی دلیل نیست که به هر درجه وزن طبقه و جنبش ما در جامعه بیشتر میشود، هر درجه امید به کمونیستها و نقش آن در تحولات ایران برجسته تر میشود، به هر میزان نقش کمونیستهای طبقه کارگر در اعتراضات امروز و سمت و سو دادن به آن بیشتر رویت پیدا میکند و به هر میزان که جنبش کمونیستی ما جاپایی باز میکند، نفرت از این جنبش و در راس آن نفرت از حزب ما، تبلیغات بورژوازی برای ترساندن جامعه از دست زدن به تغییرات بنیادی و انقلاب و ناممکن بودن تحولی سوسیالیستی افزایش می یابد. این حقیقت در اظهار نظر بالاترین مقامات جمهوری اسلامی و استراتژیست های آنها و در جدال احزاب و جنبشهای راست و ناسیونالیستی در جامعه ایران امری عیان و مسجل است.

اکنون دوست و دشمن از عروج طبقه کارگر و نقش کمونیستهای آن در سیاست ایران و در تحولات آتی میگویند. اکنون همه محافل و اتاقهای فکری بورژوازی از پدیده ای و از «خطری» سخن میگویند که عروج کمونیسم طبقه کارگر و نقشی که سوسیالیستهای این طبقه میتوانند ایفا کنند. ... صفحه ۲

# آزادی برابری حکومت کارگری

# زنده جهان میلیتاریستی، زنده جنگ!

دولتهای بورژوازی چند برابر شده و تلاش برای دستیابی به سلاح هسته ای در دستور دول بورژوازی مانند بلاروس قرار گرفته است.

قطبهای جهانی تمام تلاش خود را برای بیشترین استفاده از کابوس و جهنمی که برای مردم اوکراین ایجاد شده است میکنند. روسیه از این حمله و از ناتوانی ناتو از دخالت در این بحران، بیشترین استفاده را برای زهرچشم گرفتن از کشورهای اروپای شرقی متحد آمریکا میکند، آمریکا در مقابل تلاش میکند مطلوبیت از دست رفته ناتو را با «خطر روسیه هسته ای» احیا کرده و در مقابل مقاومت دول اروپایی همزمنی نظامی خود را اساسا بر اتحادیه اروپا حفظ کند. تلاش در گسترش فضای نا امن، در دامن زدن به ناسیونالیسم روسی، آمریکایی، اروپایی و یا اوکراینی که امروز میدیای دست راستی آنرا در بوق و کرنا میکند تأثیرات مخرب خود را بر فضای سیاسی و اجتماعی جهان خواهد گذاشت.

امروز طبقه کارگر و مردم آزادیخواه جهان که از جنگ، میلیتاریسم و توحش قدرتهای جهانی به تنگ آمده اند، به این جنگ و میلیتاریستی کردن جهان نه میگویند! ما بعنوان احزاب کمونیستی کارگری در خاورمیانه، در کنار طبقه کارگر جهانی برای کوتاه کردن دست قدرتهای ارتجاعی از زندگی بشریت، دولتهای تا دندان مسلحی که در یک چشم بر هم زدن میتوانند زندگی میلیونها انسان را با خطر مرگ و نابودی روبرو کنند، ایستاده ایم. جهان بدون قدرتهایی که خود منشا نا امنی و مسبب همه جنایات علیه بشریت اند، جهانی امن تر و انسانی تر است.

پایان دادن به این توحش، کوتاه کردن دست پوتین ها، بایدن ها و مکرون ها از زندگی بشریت متمدن، امن کردن جهان و تضمین یک زندگی بدون جنگ و خونریزی و کشتار و نسل کشی کار ما و طبقه کارگر جهانی و جنبشهای آزادیخواهانه و اجتماعی در جهان است.

حزب کمونیست کارگری عراق  
حزب حکمتیست (خط رسمی)  
حزب کمونیست کارگری کردستان

۱ مارس ۲۰۲۲

## زنده باد سوسیالیسم!

پس از چند ماه تبلیغات جنگی و تحریکات نظامی روسیه و ناتو و بر طبل جنگ کوبیدن میدیای رسمی بورژوازی، با حمله روسیه به اوکراین هراسی که چند ماه بر زندگی مردم در سرتاسر جهان سایه انداخته بود، به واقعیت پیوست. برخلاف تبلیغات و میدیای رسمی و دول بورژوازی، جهان با خطر جنگ جهانی سوم و یا بازگشت به دوره جنگ سرد روبرو نیست. اینبار قرار است مردم اوکراین، در کنار مردم عراق، افغانستان، سوریه، یمن، لیبی و ... هزینه تسویه حساب قدرتهای جهانی را با خانه خرابی، آوارگی و ... بدهند و قربانی تقابل این قدرتها برای تقسیم مجدد جهان و تعیین حیطه های نفوذ خود شوند.

این حمله سر آغاز ورود جهان به دور جدیدی از تقابلهای و کشمکشها، پارگیری ها و قطبندی ها است. دوره ای که چین و روسیه به عنوان یک قطب بزرگ اقتصادی در مقابل تعرضات نظامی و میلیتاریسم ناتو بعنوان یک قدرت نظامی و میلیتاریستی عرض اندام میکنند و در کنار آمریکا و ناتو، میلیتاریسم عریان و دخالت و حمله نظامی را بعنوان سیاست رسمی در تعیین تکلیف این کشمکها در پیش گرفته اند. دوره ای که دیگر رژیم چین، میلیتاریسم عریان، حمله نظامی و اشغال برای حل و فصل کشمکشها و یا برای زهر چشم گرفتن از متحدین رقبای خود، در انحصار آمریکا و ناتو نیست! روسیه با حمله به اوکراین بر پیکر بی رمق و ایزوله شده میلیتاریسم روحی تازه دمید. اعلام رسمی و بی پرده «نیاز به دولتی پرو روسیه در اوکراین»، تکرار بهانه هایی چون «خطر اوکراین هسته ای» برای «امنیت جهان»، که چند دهه است توسط غرب به سرکردگی آمریکا انجام میگردد، احیا مشروعیت دادن به سیاستهای شکست خورده و ارتجاعی است که بشریت متمدن سالها است در مقابل آن صف بسته، ایستاده و آنرا عقب رانده است.

حمله روسیه به اوکراین و احیا میلیتاریسم و قلدری نظامی اینبار از جانب روسیه تأثیرات جدی بر فضای نا امن در جهان، قطب بندی و پارگیری های نظامی میان ناتو و قطب روسیه- چین، بر صفتندی نیروهای سیاسی و بالاخره بر رشد میلیتاریسم و گرم کردن تنور تبلیغات جنگی در جهان خواهد داشت. هنوز دو روز از این حمله نگذشته بود که مسابقه تسلیحاتی در جهان آغاز شد. بودجه تسلیحاتی

به رهبران و فعالین کمونیست ...

«خطری» که میتواند آینده و سرنوشت نظام کاپیتالیستی در یکی از مهمترین کشورهای صنعتی خاورمیانه را رقم بزند و تأثیرات منطقه ای و فرا منطقه ای عمیقی خواهد داشت.

حزب ما به این حقایق آگاه است و با چشمان باز به آن نگاه کرده و تلاش میکند در بالاترین ارکان تصمیم گیرنده خود، مهمترین وظایف این دوره و چگونگی تضمین پیروزی طبقه کارگر و کمونیسم در این تحولات، موانع و مشکلات این مسیر، چالش هایی که با آن روبرو خواهیم شد و نهایتا نقشه آگاهانه ما برای پیشروی و پیروزی را مورد بحث قرار دهد و تصمیم بگیرد.

رفقای عزیز

ما تلاش میکنیم در کنگره دهم حزب با علم به نقاط قدرت و ضعف جنبش و صف خود، رفع نقاط ضعف و تعمیق نقاط قدرت آن، تبدیل این صف به قوی ترین و قابل دسترس ترین نیرو در صحنه سیاسی ایران، قابل دسترس و قابل انتخاب کردن آن در ابعادی میلیونی، مهیا کردن شرایط برای قدرتگیری طبقه کارگر را اولویت جدی ما در این دوره قرار دهیم.

کنگره حزب ما متعلق به کل این صف است. ما به یک جنبش طبقاتی واحد تعلق داریم و برای تحقق یک امر و آنهم سرنگونی جمهوری اسلامی به رهبری طبقه کارگر و در راس آن کمونیستهای آن تلاش میکنیم، و تلاش میکنیم در این

پروژه نیروی جنبش خود را برای انقلاب سوسیالیستی آماده و جامعه و تحولات ایران را به سوی این انقلاب سوق دهیم. ما عمیقاً معتقدیم که طبقه ما و در راس آن صف وسیع کارگران کمونیست و سوسیالیست و حزب ما قادر به متحقق کردن این واقعیت هستیم، اگر آگاهانه و متحدانه در این راه قدم بگذاریم!

نه سرکوب و استبداد و نه فاصله جغرافیایی هیچگاه نتوانسته اند در تلاش مشترک ما برای دستیابی به اهداف انسانی و رادیکال ما خللی وارد کنند. هیچ دیوار چینی قادر نیست این حزب و فعالین کمونیست در جامعه ایران، فعالین کمونیست در طبقه کارگر، فعالین جنبش حق زن، معلمان و نسل جوان و اقشار ستمدیده جامعه را از هم جدا کند. از اینرو شما را به دخالت در مباحث کنگره دهم حزب، به مسائلی که رفقای کمونیست شما در این مجمع به آن می پردازند، به سهم شدن در کنگره ای که متعلق به همه کمونیستهای طبقه کارگر در ایران است، دعوت میکنیم. ما از هر نوع دخالتگری شما، تلاش شما برای تأثیر گزاری بر این کنگره در خدمت تقویت جنبش کمونیستی و کارگری و در جهت پیشروی جنبش ما نهایت استقبال را میکنیم.

صمیمانه دست همه شما را برای دخالت در سرنوشت این کنگره و این حزب به عنوان بخش تحزب یافته یک جنبش بزرگ اجتماعی می فشاریم.

کمیته رهبری حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱ مارس ۲۰۲۲

# جنگ در اوکراین، زمینه‌ها و

## پیامدهای آن

گفتگوی رادیو نینا با آذر مدرسی دبیر کمیته مرکزی حزب

وریا نقشبندی: از ۲۴ فوریه، طبق یک پیامی که از طریق پوتین رئیس جمهوری روسیه در تهاجم به اوکراین داده شد، در این چند روز جنگی در اوکراین صورت گرفته است. قبل از اینکه به موضوع خود جنگ بپردازیم، زمینه‌های این جنگ، جنگی که در حال حاضر در حال وقوع است دوست داشتیم شما در موردش صحبت کنید؛ زمینه‌های تاریخی که دارد، در این رابطه بیشتر موضوع را باز کنید تا بتوانیم به سوالات بعدی بپردازیم؟

آذر مدرسی: همانطور که خودتان گفتید حمله روسیه به اوکراین با پیام پوتین صبح روز ۲۴ فوریه صورت گرفت و دنیا را با یک شک غیر قابل باور روبرو کرد. کسی انتظار نداشت که روسیه دست به یک چنین حمله‌ای بزند، کسی انتظار نداشت که یک بار دیگر شاهد جنگ و خونریزی در نقطه دیگری از دنیا، به هر بهانه‌ای و هر مستمسکی باشد. جهان تصویرش از دنیایی که در آن زندگی می‌کند، جهانی است که میلیتاریسم و سیاستهای میلیتاریستی در آن شکست خورده بود. بخصوص بعد از حمله آمریکا به عراق، بعد از شکست افغانستان، بعد از فاجعه سوریه، جهان عملاً به میلیتاریسم نه گفته بود و بر مت چنین اوضاعی کسی انتظار چنین حمله‌ای آن هم در دل اروپا را نداشت.

مستقل از ابعاد انسانی و خیم این حمله نظامی در اوکراین، به دنبال داشتن صدها کشته و آوارگی چندصد هزار نفر، این حمله بار دیگر فضای ناامن و هراس از جنگ را در سرتاسر جهان بوجود آورده است. فضایی که دولتهای بورژوازی و میدیای دست راستی با زدن بر طبل جنگ، این که به جنگ جهانی دیگری نزدیک میشوند، یا اینکه هیلت دیگری دارد عروج می‌کند و... آنرا عمیق‌تر کرده و از آن بیشترین استفاده را برای اهداف خود می‌کنند که امیدوارم در طول مصاحبه بتوانیم به آن بپردازیم.

ولی تا آن جاییکه به زمینه‌های این حمله برمیگردد، روسیه ادعا میکند که مسئله گسترش نیروهای نظامی ناتو در مرزهای این کشور است، کشمکش که به چند سال پیش برمیگردد، دلیل این حمله است. این یک بخش از واقعیت است که ناتو و در رأس آن آمریکا، علیرغم توافق با روسیه مبنی بر اینکه نباید نیروی خود را در کشورهای اروپای شرقی گسترش دهد، و به اصطلاح خلوت روسیه را به رسمیت بشناسد، طی چهار سال گذشته مرتب مشغول گسترش نیروهای نظامی خود در مرزهای روسیه بوده است. ظاهراً این حمله در تقابل با این عهد شکنی غرب و ناتو و در رأس آن آمریکا است. اما این گوشه کوچکی از زمینه‌های واقعی این حمله است. به طور واقعی پس از فروپاشی بلوک شرق، علیرغم تلاش آمریکا و سیاستهای آمریکا چه با جنگهای نظامی و چه با جنگ‌های اقتصادی و... جهان دو قطبی بلوک شرق و غرب به جهان یک قطبی تبدیل نشد و آمریکا نتوانست به عنوان قدر قدرت و تنها قدرت، نظم نوین جهانی خود را در دنیا مستقر کند. این سیاست به شکست کشیده شد و امروز ما شاهد جهانی چند قطبی هستیم. جهانی که در آن قطب‌های مختلف، قدرت‌های بین‌المللی و یا بلوکهایشان خواهان تقسیم مجدد جهان هستند. امروز شاید بدلیل حمله روسیه به اوکراین، شاهد دو قطب، قطب روسیه و حامیانش در رأس چین و قطب ناتو و آمریکا و اروپا هستیم، اما هیچکدام از دول در این دو قطب متحدین واقعی و استراتژیک هم نیستند؛ هر کدام از اینها در مواردی با هم توافقاتی دارند و در مواردی در کنار قطب رقیب قرار می‌گیرند. در نتیجه ورود جهان به دنیای چند قطبی و به رسمیت شناخته شدن حیات خلوت‌ها، به رسمیت شناخته شدن مناطق نفوذ و همچنین تلاش برای اینکه، جهان مجدداً بین این نیروها تقسیم و منطقه‌های نفوذ هر کدامشان تعیین شود، سالهاست در جریان است. این جنگ و کشمکش در اشکال روی داده، از جنگ‌های اقتصادی، از جدال‌های سیاسی، از جنگ در کشورهای دیگر، که به آن جنگ‌های نیابتی گفته میشود، از حمله به عراق، سوریه، در طی این چند سال در جریان بوده و امروز خود را در اروپا و در حمله روسیه به اوکراین نشان میدهد.

با این حمله جهان وارد یک مرحله جدیدی میشود، مرحله‌ای جدید که میلیتاریسم رانده شده و شکست خورده یک بار دیگر مقبولیت پیدا می‌کند و یک بار دیگر دولتها اعلام می‌کنند که بدون میلیتاریسم و بدون تسلیحات نظامی و بدون کشورهای مسلح به سلاح‌های هسته‌ای و بدون قدرتهای بورژوازی تا دندان مسلح جهان امن نخواهد شد. پیامدهای این حمله را باید در تقابل‌های بین قطب‌های مختلف امپریالیستی و قطب‌های مختلف بین‌المللی دید،

پیامدهای این حمله بسیار بسیار فراتر از فاجعه انسانی است که در اوکراین اتفاق می‌افتد، در اوکراین مثل عراق و افغانستان قرار است مردم قربانی تقابل‌های دولتهای بزرگ در جهان شوند.

وریا نقشبندی: در سوالات بعدی میخواهم به این موضوع مفصل‌تر بپردازیم، اما سوالی را در رابطه با این که میدیای غربی این‌طور که شنیده میشود، دارد از فضایی که بوجود آمده است، جنگی که در اوکراین است، اوکراین را به عنوان یک قربانی معرفی میکند و از طرفی غرب، از روسیه به عنوان شرق، نوعی شیطان‌سازی میکند. این نمایی که به راه انداختند و این تبلیغات و پروپاگاندایی که میدیای غربی فوکوسش بیشتر روی این مسئله است به عقیده شما چقدر میتواند صحت داشته باشد. کلاً این بحث سیاه و سفید کردن و شیطان‌سازی از رقیب و از خود فرشته میسازند، در قضیه اوکراین چقدر میتواند صحت داشته باشد؟

آذر مدرسی: در این که مردم اوکراین قربانی این جنگ و این تقابل اند تردیدی نیست؛ به نظر من در این که جهان باید با مردم اوکراین همبستگی، نه فقط همبستگی و همدردی، بلکه به حمایت جدی از مردم اوکراین دست بزند، تردیدی نیست. مردم اوکراین، در بخش قبلی هم گفتیم، مثل مردم عراق و افغانستان قربانی جنگ شیاطین میشوند. در این جنگ قدرتهای جهانی هیچ فرشته‌ای وجود ندارد. همه دولتها شیاطینی اند که تا دندان مسلح هستند، شیاطینی اند که سلاح‌های اتمی دارند و جهان را با یک مخاطره جدی روبرو کرده‌اند. میدیای غربی دستگاه تبلیغات جنگی دولتهای خود هستند. هیچ فرقی نمی‌کند چه میدیای غربی و چه میدیای روسیه و چین، دستگاه تبلیغات جنگی آن دولت و قدرتهای حاکم در آن کشورها هستند. شما به میدیای غرب نگاه کنید، همانطور که شما گفتید در این میدیا پوتین هیترل دوم است، به میدیای آن طرف نگاه می‌کنید، پوتین فرشته‌ای است که نماینده ناسیونالیسم روسی و نماینده حفظ امنیت است. یک طرف در بوق و گرنا می‌کند که «خطر اوکراین هسته‌ای» هست و همسایه روسیه نمی‌تواند پُروروسیه نباشد و طرف دیگر اعلام می‌کنند که این جنگ و حمله، با جنگ و حمله آمریکا به افغانستان متفاوت است، این حمله با حمله به عراق فرق می‌کند. واقعیت این است که جهان دست رد به سینه سیاست میلیتاریستی آمریکا و ناتو، مشروعیتی که ناتو و در رأس آن آمریکا برای خود به رسمیت میشناخت، که «حمله نظامی حق مشروع من است»، «من مجوز این را دارم که بدون توافق هیچ دولتی و بدون توافق هیچ نهاد بین‌المللی و سازمان ملل، زیر تمام قوانین بین‌المللی، که قاعدتاً باید قدوسیت داشت باشد، میتوانم به کشور دیگری حمله کنم»، زد. این سیاست میلیتاریستی به شکست کشیده شده بود و حمله روسیه به اوکراین این سیاست را یکبار دیگر احیاء کرده است. روسیه اعلام کرد که او هم در ادامه نقش‌اش در سوریه در این زمین بازی میکند. این انحصار حق حمله نظامی و دخالت نظامی را برای غرب و ناتو و آمریکا به رسمیت نمی‌شناسد. با حمله به اوکراین، روسیه عملاً پیکر مفلوک سیاستهای میلیتاریستی را، که آمریکا نماینده‌اش بود احیاء کرد.

میدیا اما علاوه بر شیطان‌سازی، بر طبل ضرورت میلیتاریستی تر شدن جهان نیز می‌کوبند. دولت‌های بورژوازی و میدیای شان امروز بر طبل مسابقه تسلیحاتی می‌کوبند. یکی می‌گوید باید ناتو را تقویت کرد آن یکی دیگر می‌گوید باید ارتش مستقل اروپا را درست کرد؛ دولت بلاروس حق مسلح شدن به سلاح هسته‌ای را به پارلمان شان می‌بزند، آلمان برای اولین بار صد میلیارد یورو بودجه تسلیحات نظامی‌اش را بیشتر کرده، بازار اسلحه امروز پررونق‌ترین بازار جهان شده است. اینها همه نتیجه احیاء یک میلیتاریسم، یک سیاست میلیتاریستی است که با خود مسابقه تسلیحاتی را در جهان دارد بوجود می‌آورد.

اینها منجمله تأثیرات عمیق‌تر حمله به اوکراین است. اما تا آنجایی که به مردم اوکراین برمیگردد، مردم اوکراین اولین قربانیان بی‌گناه این جنگ و این تقابل ارتجاعی هستند و پس از آن مردم جهان با احساس ناامنی شان با تبلیغات «احیاء دوره جنگ سرد»، «خطر جنگ اتمی»، «خطر جنگ جهانی سوم» در یک دوره هراس، در یک دوره کابوس جنگ به سر می‌برند. بر مت این هراس اینکه باید از تشدید قدرت تسلیحاتی دولتهای خود دفاع کرد و حول قدرت نظامی دولت خود متحد شد را در بوق و کرنا میکنند.

وریا نقشبندی: بحث از این میشود که ناتو ضعیف شده، یعنی بحث از تضعیف ناتو است، از عقب نشینی که در آمریکا کردند، از باتلاقی که در خاورمیانه دچار شدند، بحث از این شده که ناتو دیگر آن کلانتری که میخواست دنیا را زیر چکمه خودش داشته باشد، نیست. این جنگ و این حمله‌ای که روسیه به اوکراین تحمیل کرده چه تأثیری روی خاورمیانه میتواند داشته باشد؟

آذر مدرسی: قبل از این حمله بحث بی‌خاصیت بودن ناتو خیلی بالا بود. در میان خود دول غربی بحث این که «ناتو بی‌خاصیت است»، «ناتو موردی برای ادامه حیات ندارد» و حتی ... ادامه در صفحه بعد

آلمان دوره جنگ دوم جهانی و دامن زدن به این چه در اروپا و چه در آمریکا دامن میزنند. ناسیونالیسم یکی از آن جنبش‌هایی است که میتواند بیشترین استفاده را از این بحران کند و البته از این استفاده هم می‌کند که جهان را یکبار دیگر زیر پرچم خود، «نژاد خود»، «دولت خود»، «ملت خود» و تقابل با ملت‌های دیگر فرا بخواند و متمرکزشان کند.

بهرحال پیامدهای سیاسی و اجتماعی این حمله و این بحرانی که الان هست بسیار پیچیده تر و قابل بحث است که فکر میکنم باید به جزئیات نگاه کرد و در مقابل آن سیاست‌های روشنی را اتخاذ کرد. ولی چیزی که عجالتاً در عرض این چهار روز شما شاهدش هستید رشد میلیتاریزم، رشد ناسیونالیسم و شانس جریان‌ات ناسیونالیستی و فاشیست در کشورهای هست که در این ماجرا درگیر هستند. این اتفاق روی نیروهای سیاسی تأثیرات جدی گذاشته است، چه نیروهای سیاسی در ایران، چه در اروپا!

احزاب به ظاهر چپ در اروپا همگی حول احزاب راست و ناتو دارند متحد می‌شوند، به طور نمونه حزب کارگر انگلیس اعلام کرده است که «اگر کسی علیه ناتو حرف بزند از حزب اخراج می‌شود»!

احزاب و دول بورژوازی روزمره تبلیغات پرو ناتو و پرو میلیتاریزه شدن و ناسیونالیسم را در این جامعه پمپاژ می‌کنند و یک ناامنی بسیار ترسناک را در جامعه ایجاد کرده‌اند و بیشترین سرمایه‌گذاری را روی آن کرده‌اند. ولی تأثیرات دیگر را باید در قطب بندی‌های جدیدی، در وضعیت دولتها در اروپای شرقی، در هنگ کنگ و تایوان، در خود کشورهای اروپایی و در خاورمیانه دید. ما شاهد صف بندی‌های جدیدی خواهیم بود. دولت‌های کوچکتر قطعاً تلاش می‌کنند از این وضعیت و شکاف بیشترین استفاده را برای تثبیت موقعیت خودشان بکنند. نه فقط در قبال رقبای محلی، رقبای منطقه‌ای و بلکه اساساً در مقابل مردمی که در خاورمیانه علیه دولت‌های شان به پا خواسته‌اند.

**وریا نقش‌بندی: مواضع احزاب ایرانی در این میان چی هست، چه می‌گویند و چه موضع و ارزیابی در قبال این جنگ دارند؟**

**آذر مدرسی:** راستش تا حالا طیف‌های متنوعی از نیروهای سیاسی در اپوزیسیون ایران موضع گرفتند. تا آنجا که به جمهوری اسلامی ایران برمی‌گردد اول به به و چهچه کردند و بعد شروع کردند به این که ما با سلطه‌گری مخالف هستیم ولی روسیه حق دارد، چون به حیاط خلوتش تجاوز شده و مورد تعرض قرار گرفته! بهرحال آنها بیزینس خود را دارند و تلاش می‌کنند از این شکاف بیشترین استفاده را کنند.

تا آنجایی که به نیروهای سیاسی برمی‌گردد راست پرو غرب بر تبلیغات ضد کمونیستی اش اضافه کرده و پوتین را به عنوان یک کمونیست، که حتی خودش ادعای کمونیست بودن ندارد، روسیه را به عنوان یک دولت کمونیستی که دولت روسیه چنین ادعایی را ندارد، مورد ضرب و حمله قرار می‌دهند و این اتفاق را دستمایه‌ای برای تبلیغات ضد کمونیستی و تبلیغات پرو آمریکایی خود می‌کنند و دوباره بر طبل اینکه «بدون دخالت آمریکا آینده بهتری برای ما متحقق نخواهد شد»، می‌کوبند. البته طبیعی بود و انتظاری بیشتر از این نمی‌شد از این‌ها داشت. سایر نیروها را اساساً شاید بشود به دو طیف تقسیم کرد: یک طیف به نام ضدیت با جمهوری اسلامی و این که گویا روسیه متحد جمهوری اسلامی است و در نتیجه باید اساساً روسیه محکوم شود و نه آمریکا، و خاک پاشاندن بر چشم جامعه و گویا اینکه این یک اتفاق در خود، و نه گوشه‌ای از کشمکش‌های وسیع تر و عمیق تر، سعی می‌کنند این را به جامعه القا کنند که جنگ را باید محکوم کرد، که قطعاً باید محکوم کرد، و فقط روسیه را باید مورد تعرض قرار داد چرا که جمهوری اسلامی با روسیه هم پیمان است و از این زاویه موضع پرو آمریکایی می‌گیرند. به نام چپ، به نام کارگر، به نام علیه جنگ، عملاً پرو آمریکا موضع می‌گیرند!

طیف دیگری را داریم که طرفداران روسیه هستند که با همان نوع استدلال و با همان بهانه‌هایی که کارشناسان روسی و اتاق فکرهای روسیه اعلام می‌کنند که «ما را مدام تهدید می‌کنند»، «منی توانیم قبول کنیم که آمریکا در همسایگی ما ارتش داشته باشد»، از حق مسلم روسیه در دفاع از خودش، از به اصطلاح حق مسلم روسیه در اینکه حیاط خلوت خودش را حفظ کند عملاً پرو روس و علیه یک قطب دیگر موضع می‌گیرند. این مواضع خوشبختانه در جامعه به هیچ عنوان گسترش پیدا نکرده و انعکاس چندانی نداشته است.

از طرف فعالین اجتماعی و جریان‌ات و سازمان‌های مستقل که در خود ایران حرف می‌زنند به روشنی اعلام کردند که این کشمکش، کشمکش ما نیست! نه کشمکش روسیه و آمریکا و نه کشمکش چند قطب جهان، کشمکش ما نیست! و حاضر نیستند که سیاهی لشکر یکی از این قطب‌ها علیه قطب دیگری شوند.

۲۸ فوریه ۲۰۲۲

با تشکر از رفقا هساره ابراهیمی و سونیا محمدی برای پیاده کردن فایل صوتی مصاحبه

در اتحادیه اروپا این که ما نیازی به ناتو نداریم، برعکس باید یک ناتوی اروپایی درست بکنیم و بحث‌های زیاد دیگری در این رابطه در جریان بود. ناتو قبل از این حمله تضعیف شده بود و بحث مطلوبیت و عدم مطلوبیت، خاصیت یا بی خاصیتی آن مطرح شده بود. من فکر می‌کنم این حمله، آمریکا را به طور جدی ضعیف نشان داد، آمریکا و ناتو علیرغم اسلحه‌هایی که به اوکراین و کشورهای همسایه ریختند، علیرغم تمام تبلیغات جنگی که کردند، و فکر می‌کردند جنگ در سطح تبلیغات می‌ماند و روسیه عکس‌العمل نشان نمیدهد، علیرغم تمام وعده‌هایی که به دولت اوکراین دادند، که اگر روسیه به اوکراین دست‌درازی کند با مقابله شدید ناتو روبرو میشود، عملاً از ترس اینکه یک جنگ جدی دیگری راه آن هم در اروپا، بوجود نیاورند، جنگی که معلوم نیست چه کسی برنده آن است، عملاً با بهانه این که اوکراین عضو ناتو نیست، هیچ دخالت نظامی نکردند. به محاصره‌های اقتصادی و به تحریم‌ها بسنده کردند. هرچند دامنه تأثیر این تحریم‌ها جای بحث است و در محافل غربی به طور جدی در مورد درجه موثر بودن آن، تأثیرات آن بر بازار جهانی و موقعیت اقتصادی غرب صحبت می‌کنند. در نتیجه به درجه‌ای که این حمله ضعیف بودن ناتو و یا محدود بودن امکان دخالت ناتو را نشان داد، درست است.

اما کشورهای عضو ناتو و به خصوص آمریکا دارد بیشترین استفاده را از این بحران می‌کند که یک بار دیگر ناتوی رو به افول را مطلوب، ضروری، حافظ امنیت در جهان نشان بدهد و از این زاویه، این هم یکی از آن استفاده‌هایی است که بورژوازی آمریکا فعلاً با همراهی اروپا، می‌کند. ولی ارزیابی من این است که بعد از یک مدتی اروپا مجدداً تلاش میکند روی پای خود بایستد و زیر اتوریته آمریکا نباشد. این حمله موقتاً بازار ناتو را داغ نگاه میدارد اما این تأثیر گذرا است. با خوابیدن این بحران شکاف‌های قبلی در بلوک غرب دوباره سر باز خواهد کرد.

در مورد تأثیرات آن در خاورمیانه، ببینید شما پس لوزه‌ها و یا لوزه‌های جانی این اتفاق را در خاورمیانه قطعاً خواهید دید. از همین الان تمام کشورهای عربی از اینکه اگر این جنگ و این بحران ادامه پیدا کند، با کمبود غله، به عنوان ابتدایی ترین مواد خوراکی در کشورشان روبرو میشوند و از پیامدهای اجتماعی، خیزش‌های اجتماعی که در پی این ماجرا ممکن است بوجود بیاید، اظهار نگرانی کرده‌اند و همگی نسبت به مسئله بسیار بسیار محتاط برخورد می‌کنند. امارات به همین دلیل و به دلیل تأثیراتی که این کشمکش و این تقابل میتواند در اوضاع داخلی خودشان داشته باشد، به قطعنامه آمریکا علیه روسیه رای مثبت نداد. ایران تلاش می‌کند از این کشمکش بیشترین استفاده را بکند و با کارت برجام و اینکه «اگر در برجام با من به توافق نرسید من می‌توانم به این بلوک قدرتمند بپیوندم»، بازی میکند و تلاش میکند بیشترین امتیازها را از آمریکا بگیرد و امیدوار هستند که بتوانند در این ماجرا بیشترین امتیازات را بگیرند. اسرائیل، ترکیه، کشورهای که تلاش میکردند با روسیه در مقاطعی و در جاهایی مثل سوریه همکاری کنند، امروز دچار تناقضاتی شدند که باید حل کنند. در نتیجه متحدین طبیعی آمریکا و غرب در خاورمیانه بدلیل تأثیرات اقتصادی و استراتژیک این تقابل بر اوضاع داخلی و منطقه‌ای محتاط‌اند.

**وریا نقش‌بندی: برگردیم به بحث پیامدهای این مسئله تا همین الان که پیروز یا شکست خورده این میدان هنوز مشخص نیست، پیامدهای آن در بعد منطقه‌ای، در کل اروپا و بُعد بین‌المللی آن را شما چطور ارزیابی می‌کنید؟**

**آذر مدرسی:** ببینید من در مورد گسترش میلیتاریزم صحبت کردم، چیز دیگری که ما امروز شاهد آن هستیم این است که در تمام کشورهای جهان علاوه بر اینکه طبقه کارگر و مردم را به متحد شدن حول دولت‌های بورژوازی خود فرا می‌خوانند و تلاش میکنند تمام مسائل و بحران‌های درونی که تک‌تک این کشورها داشتند را حاشیه‌ای کنند و یکبار دیگر مقبولیت، ضرورت و اعتبار دولت‌هایی که خود مسبب ناامنی در جهان هستند را فراهم می‌کنند، ما شاهد عروج ناسیونالیسم غلیظ و حتی فاشیسم در تمام این کشورها هستیم. پوتین بر طبل ناسیونالیسم روسی میکوبد و «کارشناسان» شان به طور مدام و بدون سرسوزنی دیپلماسی رایج در غرب از اینکه «معلوم است در اوکراین باید یک دولت پرو-روس حاکم باشد»، از اینکه منافع روسیه این را ایجاب می‌کند حرف می‌زنند و به‌طور دائم از عظمت نژاد روس و از اینکه ملت روس نباید بیش از این تحقیر و خفت غرب و آمریکا را قبول کند، یک ناسیونالیسم افراطی را در روسیه دامن می‌زنند. متقابلاً در اوکراین ما شاهد یک فضای ناسیونالیستی ضد روس هستیم، تا جائیکه به اوکراین برگردد بعید نیست که اگر روسیه موفق شود رژیم چنچی را در اوکراین متحقق کند ما با تحرکات فاشیستی علیه روس‌ها، نه علیه دولت روسیه، روبرو شویم. در اروپا هم شاهد همین هستیم، میدیا و دولتها بطور روزمره اروپایی‌گری، ارزش‌های اروپایی در مقابل «شرقی‌ها» را دامن می‌زنند. اظهار تأسف از آوارگی «مردم چشم آبی، بلوند، مسیحی و سفید» میدیای رسمی با انزجار عمومی مردم متمدن روبرو شد. اینها به یک ناسیونالیسم اروپایی و ضد روسی، مقایسه کردن روسیه با

## از حکمتیست می پرسند:

## کنگره سراسری شوراهای مردمی

در رابطه با «کنگره سراسری شوراهای مردمی» از جانب دوستانی، سوالات مرکبی مطرح می شود. از جمله می پرسند:



در آئیناتپو «کنگره سراسری شوراهای مردمی» از جانب حزب، جای کمیته های کمونیستی، کنترل محلات، حزب و قدرت سیاسی، طبقه کارگر و انقلاب کارگری کجا است؟ در طی چه پروسه ای جامعه به کنگره سراسری شوراهای مردمی می رسد؟

**مظفر محمدی:** قبل از این که به جایگاه امروزی سیاست و الگوهایی که در سوال ها مطرح شده است، بپردازم، لازم است کوتاه به زمینه هایی که این سیاست ها بر اساس آن به میدان آمده اند، اشاره کنم. چرا که این الگوها و سنت ها، خلق الساعه، پرداخته ای اذهان و بدون ریشه ای اجتماعی نیستند. سیاست والگوهای کارگری و کمونیستی ما متکی به رشد تاریخی طبقه کارگر و کمونیسمش در ایران است.

همه ی موارد در سوالات فوق، متعلق به جامعه، طبقه کارگر و کمونیسم او است. برای جواب به این سوالات بدوا نگاهی گذرا به گذشته و حال موقعیت و جایگاه کمونیسم در میان طبقه کارگر و جامعه ایران داشته باشیم. بیش از یکصد سال از تاریخ اولین حزب کمونیست ایران می گذرد. حزبی که بر پایه رشد صنایع و بازار کار ایران و حضور طبقه کارگر در جامعه و تحت تاثیر انقلاب کارگری اکتبر روسیه، تشکیل شد. و نهایتا توسط رضاخان و پس از آن محمد رضا پهلوی و با سرکوب مواجه شد.

در مورد تاثیرات حزب کمونیست آن دوران تنها یک مثال بسیار گویا است. فعالین کمونیست از جمله یوسف افتخاری بزرگ ترین اتحادیه کارگران نفت جنوب را سازمان دادند. در آن زمان کنسرسیوم نفت توسط شرکت های انگلیسی اداره می شد. کارگران ایرانی شرکت نفت با دستمزد کم و در هوای بسیار گرم جنوب در آلونک ها زندگی می کردند و مهندسان و کارگران فنی انگلیسی در ویلاهای مدرن با باغ های پر از درخت و گل و چمن ساکن بودند. اتحادیه کارگران نفت علیه این تبعیض به مبارزه پرداختند و نهایتا به این نتیجه رسیدند که انگلیسی ها را از ایران بیرون و خود اداره شرکت نفت را برعهده بگیرند. اعتصابات گسترده و مداوم کارگران نفت نهایتا به اخراج شرکت انگلیسی انجامید. در خاطرات یوسف افتخاری آمده است که رضا خان او را به تهران دعوت می کند و به او می گوید شما کارگران نفت کاری کردید که از عهده من و دولت من بر نمی آید. اما متعاقبا رضا خان بعد از مدتی افتخاری را در تهران در حصر نگه داشت و اتحادیه کارگران نفت را منحل اعلام کرد.

از آن زمان تا به امروز کمونیسم بعنوان گرایشی در طبقه کارگر و در جامعه وجود داشته است. گرایشی که در محافل کمونیستی و گروه های سیاسی متعددی با کمونیسم تداومی می شدند و طبقه کارگر را به تشکیل اتحادیه های کارگری دعوت و خود این تشکلهای کارگری مستقل را هدایت می کردند.

بدنبال سرکوب کمونیست ها و انحلال اتحادیه های کارگری و زمانی که حکومت کارگری شوروی بعد از لنین به شکست انجامید، حزب توده ایران بعنوان سرسپرده، مجری سیاستهای شوروی بعد از لنین سازمان یافت و طبق سیاستهای حکومت شوروی آن زمان بجز فعالیت های سندیکایی محدود، هیچ وقت خطری برای رژیم شاه و نظام سرمایه داری ایران نبود.

این شرایط تا قیام بهمن ۵۷ ادامه یافت. در تحولات انقلاب بهمن، مهم ترین نقش کارگران کمونیست، ایجاد شورای کارگران نفت بود که با بستن لوله های نفت، گسلی رژیم شاه را فشرده و سرنگونیش را تسریع کرد.

در نزدیک به نیم سده اخیر، بر زمینه رشد و گسترش چند ده میلیونی طبقه کارگر در صنایع و معادن و خدمات، پا به پای رشد کمونیسم در میان طبقه کارگر و جامعه، تحزب کمونیستی طبقه کارگر به امر فوری و حیاتی کمونیست های ایران تبدیل شد.

در آغاز استقرار جمهوری اسلامی با تشکیل حزب کمونیست ایران و سپس به نام کمونیسم کارگری در صحنه سیاسی و مبارزه طبقاتی در ایران، به صورت حیاتی تحزب کمونیستی و کارگری پاسخ داده شد.

در دهه های اخیر پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی، جامعه ایران شاهد حضور و نقش کمونیست ها در محافل و شبکه های کارگران کمونیست، دانشجویان کمونیست، زنان سوسیالیست و برابری طلب و در جنبش انقلابی مردم کردستان، بوده اند. جنبشی که تا به امروز فعالین و رهبران کمونیست خود را حفظ کرده و بعنوان نقطه قدرت کمونیسم و کارگر در ایران به حیات پیشرونده ی خود ادامه می دهد.

بر چنین زمینه اجتماعی و حضور نیرومند طبقه کارگر در جامعه، پایه های یک حزب سیاسی و کمونیستی سراسری طبقه کارگر، بنا نهاده شده است.

همچنین، این تحول باعث شد تا کمونیسم کارگر در ایران از کمونیسم روسی، کمونیسم چینی، مشی چریکی و ضد امپریالیست، کمونیسم ملی، خلقی، غیرکارگری و بورژوازی بریده و مستقلا و مستقیما به نام کارگر و در میان طبقه کارگر و جامعه به مثابه ی ابزار مبارزه بخش پیشرو طبقه کارگر و جامعه به خدمت گرفته شود.

امروز حزب و جنبش ما نه بعنوان بخش علنی و در تبعید کمونیست ها بلکه به معنای جنبش کمونیسم اجتماعی در میان طبقه کارگر و جامعه، در حال ریشه دوآیندن و رفع موانع فکری و سیاسی بر سر راه مبارزه طبقاتی در ایران است. حزبی که بر پایه جنبش قدرتمند کمونیسم طبقه کارگر در ایران و بر زمینه جنبش های اجتماعی زنان، معلمان، دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب و... می رود تا موانع جدی بر سر راه رشد و گسترش کمونیسم و حزب در ایران را یکی پس از دیگری بر دارد.

به یمن جنبش کمونیسم کارگر، امروز طبقه کارگر ایران در دل یک مبارزه طبقاتی بی امان، هم سهم بیشتر از تولیدات و ارزش اضافه ی دستنرخ خود را می خواهد و هم در پروسه ی رشد و گسترش و تعمیق بیشتر مبارزه طبقاتی، به قدرت سیاسی و اداره شورایی جامعه چشم دوخته است.

در نتیجه می خواهیم بگویم که، حزب و طبقه کارگر، حزب و جامعه و دورنگای قدرت سیاسی، دیگر ایده ای برای روشننگری و آینده دور نیست. بلکه سیاست ها و الگوهای کمونیستی - کارگری در جریان پراتیک شدن است. به رغم مخالفان جنبش کمونیستی و کارگری و حزب ما، موقعیت کمونیسم و کارگر در ایران امروز کابوس بورژوازی حاکم و اپوزیسیون بورژوازی رژیم است. این خطر را جمهوری اسلامی بیخ گوش خود حس کرده است.

بر اساس این داده ها و موقعیت عینی و ذهنی طبقه کارگر، امروز جامعه ما با اتکا به مجامع عمومی کارگری، تشکل شورایی و اداره شورایی، زمینه ی گام هایی به سوی افق «کنگره سراسری شوراهای مردمی» را فراهم می کند. از طرف دیگر تحقق کنگره سراسری شوراهای مردمی، سنگر و سکویی است که طبقه کارگر و زحمتکشان را برای فتح سنگرهای دیگر و برای برپایی حکومت کارگری و ساختن جامعه ی سوسیالیستی تجهیز و آماده می کند.

حزب ما برای تحقق اهداف کمونیستی و کارگری، همزمان با جنبش مجامع عمومی کارگری، اتحاد رهبران عملی و فعالین کارگری، تشکل های محلی و سراسری معلمان و دیگر بخش های زحمتکشان، کارگران مدعی اداره شورایی جامعه و «کنگره سراسری شوراهای مردمی» بعنوان دورنگای پیروزی... ابزارهای دیگری چون، تحزب کمونیستی طبقه کارگر، جنبش کمیته های کمونیستی کارخانه ها و مراکز کار، کنترل محلات به معنای دخالت متشکل مردم در محل زندگی، پتانسیل نظامی حزب بویژه در کردستان و... را به عنوان ابزارهای قدرت کمونیسم و طبقه کارگر و جنبش های اجتماعی، به جامعه معرفی و در دستور خود و کمونیست ها و رهبران عملی و فعالین اجتماعی قرار داده است. این تحولات و ابزارهای مکمل همدیگر، مثل جویبارهایی هستند که بهم می پیوندند و رودخانه ای خروشان بوجود می آورند. ... ادامه در صفحه بعد

بیانیه حقوق جماعشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراها است

شواهد تاریخی نشان داده است که طبقه کارگر و جامعه ی بدون این ابزارها به معنای رفتن بدون اسلحه به جنگ دشمن (بورژوازی) تا دندان مسلح به ابزارهای سرکوب و تحمیق است. بدون این ابزارها، طبقه کارگر و جنبش های اجتماعی به خواستهای فوری آزادی و رفاه و امنیت دست نمی یابند و در تحولات سیاسی تعیین کننده هم به سربازان و سپاهی لشکر دشمنان خود در تغییراتی از بالا و دست به دست شدن قدرت میان جناح های بورژوازی تبدیل می شوند.

اپوزیسیون بورژوازی به کسب قدرت از طریق استحاله رژیم و یا تغییراتی از بالا و دست به دست شدن قدرت چشم دوخته است. اپوزیسیون بورژوازی نوع فرسگرده، سلطنت طلبان، دمکراسی خواهان و لیبرال ها، به مبارزه مردم و اعتراضات اجتماعی بعنوان ابزاری برای به قدرت رساندن خود نگاه می کنند. دشمنی این طیف اپوزیسیون با کمونیسم و کارگر اگر بیشتر از جمهوری اسلامی نباشد، کم تر نیست. جنگ طبقه کارگر و کمونیسم اش با بورژوازی استثمارگر یکی بر سر حفظ نظام سرمایه داری و دیگری نفی آن و برای لغو کارمزدی است.

اپوزیسیون بورژوازی به قدرت مردم از پایین معتقد نیست و برای تغییر و یا سرنگونی جمهوری اسلامی، یک راه حل سنتی و پاخورده دارد و آن کسب قدرت از بالای سر جامعه است. حالا بهر وسیله ممکن و از هر طریقی از کودتا تا فروپاشی رژیم و یا دخالت های امپریالیستی و دول منطقه و تحریم و احتمالاً جنگ و غیره. این سیاستی آشنا است. تلاش عظیمی می شود تا بخش هایی از جامعه را در سنت و فرهنگ سیاسی بورژوازی و تقدس ناسیونالیسم و مذهب و خرافات و حتی توسل به زور و تهدید، قانع و ساکت نگه دارند و سرنوشت شان را به دست سرمایه داران و دولت و پیامبران و امامان و دروغ و فریب و ریا بسپارند.

تغییر و تحول های اجتماعی در ایران و منطقه و در طول دهه ها تا کنون، فقط موجب تغییراتی از بالا و دست به دست شدن قدرت بین جناح های بورژوازی شده و زحمتکشان هم سپاهی لشکر این تغییرات بوده و در پایان کار زخمی و بازنده به همان موقعیت اول و شاید هم بدتر برگشته اند.

جنبش کمونیستی کارگری در ایران و جنبش های رادیکال اجتماعی و متحد طبقه کارگر از طریق ابزارهایی که تعریف کردیم تلاش خواهد کرد که نگذارد این تاریخ تکرار شود.

## مردم یا کارگر!

در دل سوالات فوق، وقتی در مورد جاگاه کارگر پرسیده می شود، این استنباط وجود دارد که چرا شوراهای مردمی! چرا شوراهای کارگری نه! و یا چرا کنگره سراسری شوراهای کارگری و مردمی نه!

حزب ما در برنامه خود در بخش دوم فصل اول تحت عنوان «اصول و چهارچوب عمومی»، زیر تیت «ساختار ارگان های قدرت سیاسی»، حکومت شورایی را اینطور تعریف می کند:

« دوران معاصر بیش از هر زمان بی حقوقی واقعی مردم و ظاهری بودن دخالت آنها در امر حکومت در دموکراسی های لیبرالی و پارلمانی را به نمایش گذاشته است. جامعه ای که بخواهد دخالت توده وسیع مردم را در دولت و در تصویب و اجرای قوانین و سیاستها تضمین کند، نمیتواند بر پارلمان و سیستم دموکراسی نیابتی استوار باشد. اعمال حاکمیت در سطوح مختلف، از سطح محلی تا سراسری باید توسط شوراهای خود مردم انجام شود که همه هم به مثابه قانونگذار و هم مجری قانون عمل میکنند. عالیترین ارگان حکومتی کشور «کنگره سراسری نمایندگان شوراهای مردم» خواهد بود. هر فرد بالای ۱۶ سال عضو صاحب رای شورای محلی خود محسوب میشود و حق دارد خود را برای کلیه مقامات و پست های شورای محلی و یا نمایندگی در شوراهای بالاتر کاندید نماید.»

اما من نمیخواهم فقط به این جواب برنامه ای، اکتفا کنم. بلکه همچنین می خواهم به فاکتورهای عینی در رابطه با این الترناتیو «کنگره سراسری شوراهای مردمی» بپردازم:

۱- روند تا کنونی و پیشروی تحولات به ما می گوید جنبش های اجتماعی «طبقه کارگر و مردم» علیه جمهوری اسلامی در مجموع یک جنبش همگانی است. در جنبش های معین و جاری در بطن جامعه ایران، دو قطبی مردم- کارگر نداریم. در ایران علاوه بر اعتصابات کارگری، شاهد مبارزات، اعتراضات و خیزش های توده ای هستیم. نیروهای خیزش دی ماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸ اساساً مردم زحمتکش حاشیه شهرها بودند. همگانی بودن جنبش های اجتماعی از پایین، به معنای همه باهمی این جنبش ها با احزاب و سازمان ها و گروه های بورژوازی اپوزیسیون چه داخلی و چه خارج از ایران نیست. این مرز را خود جنبش ها با صدای رسا اعلام کرده اند. از قبیل: اصلاح طلب، اصول گرا، دیگه تمامه ماجرا، «نه شیخ، نه شاه»، «اداره شورایی جامعه» و شعارها و مطالبات طبقاتی و رادیکال دیگر...

۲- موقعیت عینی و ذهنی واقعی امروز طبقه کارگر و جنبش های اجتماعی دیگر به ما می گوید که انقلاب آتی ایران در ضرب اول انقلاب کارگری و سوسیالیستی

نیست. انقلابی است که توده های عظیم کارگر و معلم و زن و جوان و حاشیه نشینان شهرها در آن شرکت و نیروی یک تحول بزرگ هستند. در نتیجه جامعه ما برای رسیدن به هدف نهایی حکومت کارگری و جامعه سوسیالیستی، یک دوره گذار و موقتی را طی می کند. شکل پیروزی این دوره از زاویه منفعت طبقه کارگر و توده های زحمتکش، الترناتیو «کنگره سراسری شوراهای مردمی» است.

از زاویه منفعت بورژوازی اپوزیسیون، حاکمیت پس از خلع و سرنگونی جمهوری اسلامی، ائتلاف احزاب و جریانات بورژوازی و قومی و مذهبی است. بورژوازی اپوزیسیون این الترناتیو خود را مخفی نکرده و آشکارا و صریح بیان می کند. از جمله یک عده می خواهند رضا پهلوی را شاه کنند؛ یک عده می خواهند دولت ائتلافی موقت احزاب و جریانات راست و قومی و مذهبی را جانشین جمهوری اسلامی کنند. در کردستان هم احزاب ناسیونالیست و قومی و مذهبی صریح و آشکارا؛ ائتلاف خود را برای حاکمیت در کردستان؛ تشکیل داده اند. در همه ی این سناریوها جای مردم خالی است. در این سناریوها طبقه کارگر و مردم وظیفه شان تا زمانی است که در اعتصابات و تظاهرات و قیام های خود؛ جمهوری اسلامی را ببندازند و بعد به خانه بروند تا آقایان بورژوا ناسیونالیست و «میهن پرست»، ملی گرایان و قوم پرستان خلا حاکمیت را پر کنند و بعد قانون اساسی شان را بنویسند و شرایط را برای انتخابات مجلس فراهم کنند و باز در این انتخابات خودشان کاندیدها و نمایندگان شان را از صندوق های رای بیرون بیاورند.

در چنین انتخاباتی و در توازن قوای معینی ولو به فرض محال یک کارگر یا کسی که خود را چپ معرفی می کند از صندوق بیرون بیاید، اما در این معادله قدرت که تمام و کمال دست جناح های دیگر بورژوازی ایران در احزاب و گروه ها و ائتلاف های بورژوازی داخل و خارج است، تغییری بوجود نمی آید.

«کنگره سراسری شوراهای مردمی» تماماً عکس و خلاف روندی است که بورژوازی به آن چشم دوخته است.

## جدال و کشمکش الترناتیوها

کشمکش های اجتماعی، پیچیدگی جامعه و تنوع منافع در میان مردم در یک جنبش همگانی را باید پذیرفت. در روند وجود و حضور جنبش همگانی و در ادامه ی آن اگر طبقه کارگر و حزب سیاسی اش دست بالا پیدا نکند، پیروزی قطعی نیست. احزاب و گرایشات سیاسی مختلف در جامعه هر کدام سهم خود را می خواهند و الگوهای خود را تعقیب می کنند که اساساً الگوی پارلمان و انتخابات است. و این زمانی است که جنگ الترناتیوها بر سر منافع جداگانه ی اقشار مردم، شروع می شود. اگر هژمونی و رهبری طبقه کارگر و حزبش بر جنبش همگانی نباشد، جدال بر سر منافع متفاوت بخش های مختلف جامعه بسیار پیچیده خواهد بود. در این شرایط، «کنگره سراسری شوراهای مردمی»، تنها الترناتیو نیست. بلکه بخش های مختلف جامعه بر اساس منافع خود، سراغ الترناتیوهای دیگری خواهند رفت که احزاب و جریانات راست آن را نمایندگی خواهند کرد. در نتیجه، همه چیز نسبی است. نمی توان منافع مشترک همگانی را تا آخر تضمین کرد. زمانی که «کنگره ی سراسری شوراهای مردمی» قانون اساسی خود را برای حاکمیت شورایی تدوین و به جامعه اعلام می کند که در آن از جمله، دستمزدها به درجه زیادی یکسان می شود، زن و مرد در همه عرصه ها برابرند، آزادی بی قید و شرط سیاسی هست، شکنجه و اعدام لغو می شود و... علاوه بر مخالفت و ضدیت بورژوازی بزرگ کارخانه دار و مالک زمین و مسکن و تجار بزرگ و غیره که اقلیتی بیش نیستند با این قوانین و شکل حاکمیت، خرده بورژوازی شهری، خرده مالکین روستایی و گرایشات عقبمانده ی قومی، در میان توده های مردم تا به آخر با طبقه کارگر و سیاستهای رادیکال خواهند ماند. و چه بسا در مقابل آن خواهند ایستاد.

در اینجا به سوال دوم می رسم که گفته می شود: « در طی چه پروسه ای جامعه به کنگره سراسری شوراهای مردمی می رسد؟» و یا بعبارت دیگر، کنگره سراسری شوراهای مردمی موضوعی مربوط به آینده و شکل پیروزی است. امروز چکار باید کرد؟

گفتم، با سرنگونی جمهوری اسلامی تازه جدال الترناتیوها در عمل شروع می شود. حزب سیاسی مسوول و صاحب جامعه نمی تواند بدون آگاهی جامعه و تدارک از پیشی، پا به این عرصه بگذارد. به همین دلیل است که کمونیسم ما و طبقه کارگر و زحمتکش از همین حالا باید به الترناتیو خود آشنا و آگاه شوند.

الترناتیو بورژوازی حاکمیت نیازی به این ندارد چرا که تاریخاً و سنتاً حاکمیت از بالا را حق خود و حتی ازلی و ابدی می دانند. کم تر کسی است به حکومت پارلمانی و انتخابات آشنا نباشد. اما شوراهای مردمی در همه عرصه های جامعه و «کنگره سراسری شوراهای مردمی» از نمایندگان شوراهای کارخانه و محله و شهر و در همه محل های کار و محلات زندگی بعنوان بدیل در مقابل دیگر بدیل های بورژوازی، آشنا و صاحب سنت در جامعه نیست. در نتیجه، کمونیستها و کارگران و زحمتکشان و اکثریت محروم زن و مرد و جوان جامعه وظیفه دارند که از امروز خود را برای چنین الترناتیوی هم فکراً و هم عملاً آماده کنند. ... صفحه بعد

معنای عملیش امروز در جامعه ایران جنبش مجامع عمومی و شوراهای کارگری و مردمی در محل های کار و محلات زندگی و اتحاد و سازمانیافتگی محلی و سراسری جنبش های اجتماعی است که یک نمونه آن جنبش سراسری معلمان امروز است.

«کنگره سراسری شوراهای مردمی» بعنوان شکل پیروزی کارگران و زحمتکشان، ائتلاف چپ و راست جامعه یا بورژوازی حاکم و اپوزیسیون با پرولتاریا نیست. جنبش طبقاتی کارگران و جنبش های اجتماعی رادیکال در بیش از یک دهه ی اخیر، جنبش همه با هم و آشتی بورژوازی و کارگران نبوده است. بورژوازی در هر لباس و شکل و قواره ای به هیچ وجه در شوراهای کارگری و مردمی با پشتوانه مجامع عمومی، جای نمی گیرند. همانطوری که طبقه کارگر و زحمتکشان در نهادهای سرمایه داران از جمله پارلمان جای ندارند.

با نگاهی به صف بندی های امروز جامعه ما شاهد طبقه کارگر در مراکز صنعتی و معادن و خدمات شهری با گرایش جنبش مجامع عمومی و اراده شورایی، معلمان علیه تبعیض، زنان برابری طلب، جوانان آزادیخواه و زحمتکشان حاشیه شهرها... هستیم که در مقابل دولت سرمایه داران و اپوزیسیون بورژوازی سه در دو، در یک سنگر ایستاده اند. و آن سنگر آزادی، رفاه و امنیت است. سخنگویان جنبش های اجتماعی (کارگر و غیر کارگر) همواره در مبارزاتشان برای زندگی بهتر گفته و می گویند: «ما چیزی برای از دست دادن نداریم» در نتیجه این بخش های عظیم مردم، یک منفعت مشترک دارند و آن در ضرب اول کسب دستاوردها و پیروزی هایی در زمینه ی آزادی، رفاه و تامین معیشت است. در این کشمکش طبقاتی، اگر بورژوازی حاکم قادر به پاسخگویی به مطالبات طبقه کارگر و جنبش های توده ای نباشد، کشمکش بر سر سرنگونی جمهوری اسلامی آغاز می شود.

اما این حکم مطلق نیست. یعنی هنوز امکان این که بورژوازی حاکم یا جناحی از آن در چهار چوب همین نظام بیاید و بگوید من مطالبات را برآورده می کنم. مردم مکثی خواهند کرد. جناحی که بیاید و بگوید من برجام را قبول می کنم، پول ها برمی گردند، نفت فروخته می شود و سهمی از آن به مردم خواهد رسید، و یا اگر این وعده ها به درجه ای عملی شود، مردم صبر خواهند کرد بینند چه چیزی عایدشان خواهد شد. اما این مکث، الزاما به معنای پایان یافتن جدال پایین و بالا نیست. طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه با هر دستاوردی در مبارزه، در ادامه برای تمام مطالباتشان می جنگند. جنبش های کارگری و اجتماعی امروز ایران دیگر به کم قناعت نخواهد کرد.

#### نقطه قدرت ما

همه ی شواهد و دلایل به ما می گویند که در دو دهه اخیر پیشروان و رهبران عملی طبقه کارگر و مردم زحمتکش ایران از زن و مرد و جوان آزادیخواه و برابری طلب، دوستان و دشمنان خود را می شناسند. همزمان با مبارزه برای مطالبات فوری و آزادی و رفاه و معیشت، بدیل های اپوزیسیون جمهوری اسلامی را نقد و رد می کنند. طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه جنگ کتان و در دل مبارزات و اعتصابات و تظاهرات و اعتراضات اجتماعی راه خود به جلو را پیدا و انتخاب می کنند. فاصله عمیق طبقاتی را می بینند و به جناحهای بورژوازی چه درحاکمیت و چه در اپوزیسیون امید نبسته و سرنوشتهشان را دست آنها نمی سپارند. جنبش مجامع عمومی منظم و اعلام راه حل اداره شورایی جامعه از دل این خودآگاهی و اعتماد به نفس کارگران و زحمتکشان در آمده است. جامعه ی قطبی شده به دو طبقه پرولتاریا و بورژوازی، هر کدام راه خود را انتخاب می کنند. حاکمیت شورایی و کنگره سراسری شوراهای مردمی بدیل طبقه کارگر و کمونیسم اش در مقابل طبقات دارا و حکومت شان است.

ما یک دهه پیش نمی توانستیم این ادعا را بکنیم. جنبش های کارگری، معلمان، بازنشستگان و اعتراضات و خیزش های توده ای به همت فعالین و پیشروان و رهبران فکری و عملی خود و با تکیه بر مجامع عمومی و افق حاکمیت شورایی، تجارب گرانهایی کسب کرده و می رود تا همبستگی و حمایت از همدیگر را به ایجاد تشکل های هماهنگی سراسری ارتقا دهند. مجامع عمومی منظم هزاران کارگر هفت تپه، گرایش کارگران فولاد و پتروشیمی ها و نفت به سنت مجامع عمومی و اداره شورایی و تامین رهبری سراسری در شورای هماهنگی تشکل های معلمان... همگی نشانه ی تحول و پیشرفت کمی و کیفی مبارزات کارگری و بخش های مختلف دیگر زحمتکشان است.

ما می خواهیم کارگران و زحمتکشان در شوراهای محل کار و زندگی متحد شده و از پایین قدرت بگیرند. کنگره سراسری شوراهای مردمی شکل پیروزی و آلترناتیو در مقابل سناریوی حاکمیت بورژوازی تحت هر نامی است. و این قدرتمند ترین زمینه و ابزار برای گذر به حکومت کارگری است.

جنبش کمونیستی کارگری در ایران و حزب ما موظفیم و تلاش می کنیم کنگره سراسری شوراهای مردمی به سیاست و افق پیروزی طبقه کارگر و جنبش های اجتماعی تبدیل و بعنوان شکل پیروزی و بدیلی در مقابل آلترناتیوهای اپوزیسیون بورژوازی پذیرفته شود. حزب ما همچنان وظیفه ی شناساندن راه های رسیدن به این هدف را به جامعه برعهده دارد.

ما بهمراه کمونیست های ایران، رهبران عملی کارگران و زحمتکشان و فعالین سیاسی چپ ایران، تلاش می کنیم، کنگره سراسری شوراهای مردمی را بعنوان شکل پیروزی جنبش های اجتماعی بر پرچم مبارزات اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر و زحمتکشان زن و مرد و جوان و حاشیه نشینان شهرها حک کنیم.

مانع ما در جامعه تفکر و ایده ها و راه حل های بورژوازی است. تا حالا هم درب بر این پاشنه چرخیده که مردم مبارزه کرده اند، انقلاب کرده اند و جناح های دیگر به ظاهر خوش خیم بورژوازی سوار بر موج اعتراضات و انقلابات توده ای شده و به قدرت رسیده اند. تمام تلاش ما بر علیه این سنت رایج در جامعه است.

شکی نیست آلترناتیو کنگره سراسری شوراهای مردمی، با سمپاتی وسیع رهبران عملی کارگران و فعالین چپ جنبش های اجتماعی مواجه خواهد شد. راه رسیدن به این آلترناتیو شروع کردن از صفر نیست. هم اکنون در میان بخش های پیشرو طبقه کارگر و زحمتکشان معلم، درجه ای از اتکا به مجامع عمومی و شکل شورایی اتحاد، در جریان است. با گسترش و تعمیق بیشتر مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر و دیگر بخش های محروم جامعه، فعالین شورایی و شورا خواه ها بوفور عروج خواهند کرد.

ما در تمام این دوره ها بدون وقفه پشت جنبش مجامع عمومی و تشکل شورایی و شوراهای محل کار و زندگی ایستادیم. و این امروز به الگوی اتحاد و مبارزه ی بخش پیشرو طبقه کارگر تبدیل شده و بر اساس تلاشی که کارگران کمونیست و حزب ما انجام داده و می دهند، دورنمای گسترش آن به کل طبقه وجود دارد. برای طبقه کارگر و دیگر جنبش های اجتماعی، طبیعی ترین، آسان ترین و دم دست ترین شکل اتحاد کارگری و مردمی برای رسیدن به خواسته های فوری امروز، اتکا به قدرت و اراده و تصمیم جمعی در مجامع عمومی است.

#### بعنوان خلاصه

جدا از افق و اهداف، کمونیسم و طبقه کارگر در ایران نه به لحاظ کمی که کارگران شاغل و بیکار و خانواده هایشان به تنهایی اکثریت جمعیت ایران را تشکیل می دهند، بلکه به لحاظ کیفی و سازمانیافتگی و تحزب کمونیستی... در تحولات انقلابی و اعتلای سیاسی، در ضرب اول وظیفه ی برقراری حکومت کارگری و سوسیالیسم را برعهده ندارد. برای تامین این استراتژی باید از بسیاری موانع و پیچیدگی های جامعه و موانع عبور کند.

جنبش کارگری و جنبش های اجتماعی در شرایط کنونی، حول مطالبات فوری معیشت و رفاهی از فلاکت به میدان آمده است. کسب هر گونه دستاورد و تحمیل هر عقب نشینی به دولت و سرمایه داران، به میزان سازمانیافتگی، اتحاد درونی، رهبری رادیکال در وهله ی اول در مراکز کارگری و صنایع بزرگ و در ادامه، ایجاد رهبری سراسری و هماهنگ کننده ی مبارزات کارگران و زحمتکشان بستگی دارد. امروز این پروسه ای در جریان است.

ابزار موثر و قدرتمند طبقه کارگر، زحمتکشان حاشیه ی شهرها و جنبش های جاری معلمان، زنان، جوانان و تحصیلکرده های بیکار، برای به کرسی نشاندن مطالبات رفاهی و آزادیخواهانه، جنبش مجامع عمومی و شوراهای محل کار و محلات زندگی است. جنبش مطالباتی کارگران و زحمتکشان ولو با وقفه هایی که ممکن است در شرایط گشایش اقتصادی احتمالی دولت با حذف تحریم ها و فروش نفت و سرازیر شدن سرمایه ها پیش بیاید و بخش هایی از خواسته های کارگران و زحمتکشان تامین شود، اما در نهایت بورژوازی حاکم ایران با بحران های اقتصادی و سیاسی و حکومتی اش از طرفی و تامین سود سرمایه داران به قیمت استثمار و بی حقوقی کارگران و گسترش فساد و اختلاس در رده های بالای حاکمیت از طرف دیگر، چشم انداز شرایط انقلابی و اعتلای سیاسی در جامعه و ضربه ی نهایی بر پیکر جمهوری اسلامی را ترسیم میکند.

حزب و کمونیست های طبقه کارگر و جامعه، در دل مبارزه طبقاتی و جنبش های رفاه طلبی و آزادیخواهانه، بازوهای قدرتمند طبقه کارگر از جمله جنبش کمیته های کمونیستی در مراکز بزرگ کارگری، تحزب کمونیستی طبقه کارگر، کنترول محلات توسط زحمتکشان شهری، پتانسیل نظامی حزب بویژه در کردستان و دیگر تاکتیک های مبارزاتی را سازمان می دهد. این ابزارها بهمراه جنبش مجامع عمومی و شوراهای کارگری و مردمی، طبقه کارگر و جامعه را برای آوردن ضربه نهایی به جمهوری اسلامی و برقراری حاکمیت مردم از طریق کنگره سراسری شوراهای مردمی آماده می کند.

کنگره سراسری شوراهای مردمی آلترناتیو و شکل پیروزی مبارزه و قیام توده های کارگر و زحمتکش از پایین است. و این زمانی است که جنگ آلترناتیوها بر سر منافع جداگانه ی اقشار مردم شروع می شود. بخشی از نیروهای اجتماعی غیر کارگری برای سرنگونی الزاما و تا به آخر کنار طبقه کارگر نمی ماند. در جدال بر سر منافع و آلترناتیوهای مختلف طبقات دارا و احزاب و تشکل هایشان، دست بالایی کمونیست های طبقه کارگر، جامعه و حزب در شوراهای محل کار و زندگی و بویژه در کنگره سراسری شوراهای مردمی، زمینه را برای شکست آن ها و گذار به مرحله بعدی حکومت کارگری و ساختن جامعه ی سوسیالیستی آزاد و برابر فراهم می کند.

hekmatist.com

یک دنیای بهتر



برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتک

سر دبیر: فواد عبداللهی

صدای آزادی، صدای برابری



نیانا

پخش برنامه‌های نیانا از کانال یک

برنامه‌های نیانا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش میشود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat W1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

پخش برنامه‌های نیانا از رادیو طول موج کوتاه

برنامه‌های نیانا هر جمعه راس ساعت ۹ شب به وقت تهران از طریق رادیو طول موج کوتاه پخش می‌شود.

مشخصات موج کوتاه رادیو:

SW 5910

نیانا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نیانا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena